PROPERTY OF ACKU

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادگرند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارکان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



اخوت در اسلام ، تنها یک پیوند اعتقادی و عاطفی نیست بلکه، یک برنامهٔ عمل است که هر مسلمان خود را در برابر مسلمان دیگر به عنوان همکار و جزء یک جامعه احساس کرده، در غم و شادی یکدیگر خود را سهیم می دانند.

از سخنان رهبر شهید

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ هفتم ۲۷ ثور ۱۳۹۳ ۱۷ رجب المرجب ۱۴۳۵ ۱۷ May ۲۰۱۴

داکتر عبدالله عبدالله:

مردم افغانستان کار ما و شما به پایان نرسیده است، با هم تا رسیدن به قلهٔ پیروزی



با پیوستن تیم های اعتدال و برابری، صلح و بازسازی و سایر تیم های که با ما می پیوندند، پیروزی ما در دور دوم قطعی است.

به منظور تأمین شفافیت انتخابات در دور دوم، باید در چگونگی کار کمیسیون های انتخاباتی اصلاحات جدی به وجود آید.

امروز پنجشنبه تاریخ ۲۵ ثور کمیسیون مستقل انتخابات نتایج نهایی انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرد. براساس نتایج اعلام شده، هیچ یک از نامزدان انتخابات ریاست جمهوری نتوانسته اند که پنجاه درصد به علاوهٔ یک آرای رأی دهندگان راکسب کنند. دکتر یوسف نورستانی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات، طی کنفرانس مطبوعاتی اعلام نتایج نهایی انتخابات گفت: در دور اول انتخابات هیچ یک از نامزدان پنجاه درصد به علاوه یک آرا را کسب کرده نتوانستند.

به بربنیاد نتایج اعلام شده از سوی کمیسیون مستقل انتخابات، انتخابات ریاست جمهوری به دور دوم رفت. بربنیاد تقسیم اوقات اعلام شده، از سوی کمیسیون انتخابات ریاست جمهوری دور دوم در ۲۴ جوزار برگزار خواهد شد. بر اساس نتایج اعلام شده، دکترعبدالله عبدالله نامزد تیم اصلاحات و همگرایی با کسب چهل و پنج درصد آرا، در صدر نامزدان انتخابات قرار دارد. دکتر اشرف غنی احمدزی باکسب ۳۱،۶ درصد آرا، در جایگاه دوم قرار گرفته است. همچنین داکتر زلمی رسول ۱۱،۴ درصد، استاد عبدرب الرسول سیاف ۷ درصد، قطب‌الدین هلال ۲،۸ درصد، محمد شفیق گل آغا شیرزی ۱،۶ درصد، داوود سلطانزوی ۰،۵ درصد و هدایت امین ارسلا ۰،۲ درصد آرا را کسب کرده اند.

قانون در مورد انتخابات صراحت دارد، در صورتی که انتخابات به دور دوم برود . ص۷



باز گشت همه بسوی اوست



با تأسف فراوان اطلاع یافتیم که انجنیر سید احمد رویین مشهور به «آمر مجاهد» یک تن از موسسین جمعیت اسلامی افغانستان و از فرماندهان مدبر و آگاه دو دورهٔ افتخار مردم افغانستان – جهاد و مقاومت – در اثر بیماری ای که داشتند، به جاودانه گان پیوست.

مرحوم انجنیر رویین در دورهٔ جهاد مسوولیت آمریت ولایتی مجاهدان را در تخار بدوش داشت و در داغ ترین لحظات تاریخ کشور در کنار مردم ایستاد و با فداکاری و استقامت شجاعانه برای عزت و سربلندی مردم افغانستان مبارزه کرد. وی از جمله شخصیت های مهم و تأثیر گذار در جمعیت اسلامی و ولایت تخار بود.

انجنیر سید احمد رویین در پُست های ولایت تخار و معینیت وزارت هوانوردی و ترانسپورت ایفای وظیفه نموده و خدمات شایانی انجام داده است.

جمعیت اسلامی افغانستان در حالیکه درگذشت مرحوم انجنیر رویین را ضایعهٔ بزرگ می داند، مراتب عمیق تسلیت خود را به بازماندگان و همسنگران ایشان عرض نموده، برای مرحومی از بارگاه پروردگار منان بهشت برین و به بازمانده گان شان صبر جمیل مسئلت می نماید.

ملاقات دوستانهٔ رئیس جمعیت اسلامی افغانستان با سفرای کشورهای اسلامی

روز دوشنبه ۲۲ ثور محترم صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح سفرای کشورهای اسلامی و منطقه را به اقامتگاه اش دعوت نمود.

در این نشست نامزد پیشتاز انتخابات ریاست جمهوری تیم اصلاحات و همگرایی محترم داکتر عبدالله عبدالله، همراه با برخی از اعضای تیم های که تازه به جریان اصلاحات و همگرایی پیوسته اند، حضور داشتند.

در نخست آقای ربانی از تمام کشورهای جهان به ویژه کشورهای منطقه و جهان اسلام بابت کمک رسانی و اظهار غم شریکی شان به مردم آسیب دیدهٔ حوادث طبیعی اخیر در بدخشان و برخی مناطق دیگر در شمال کشور اظهار قدردانی نمود.

در این دیدار دوستانهٔ سفرای کشورهای اسلامی بر ادامهٔ همکاری های بیشتر راجع به حوادث طبیعی تأکید کرده اند.

در ضمن رئیس جمعیت اسلامی افغانستان بار دیگر از حضور گرم و صمیمانهٔ مهمانان در اقامت گاه شان تشکر نموده بر ادامهٔ همکاری های بیشتر و نزدیکی ملت ها تأکید نمود.

در دور دوم نیز مردم ما حماسه می آفرینند ص۲

از افغانستان تا اوکراین ص۳

تبصرهٔ بر گزارش گروه بین المللی بحران ص۴

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: شیرپور سرک دوم دست راست، خانهٔ ۱۰۶۵
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid۱۳۵۷@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

در دور دوم نیز مردم ما حماسه می آفرینند

سرانجام روز پنجشنبه (۲۵ ثور) نتایج نهایی انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳ از سوی کمیسیون مستقل انتخابات بعد از بررسی های کمیسیون شکایات انتخاباتی اعلام گردید. در نتایج اعلام شده، انتخابات بدور دوم کشانیده شد. رئیس کمیسیون انتخابات اعلام کرد که دکتر عبدالله عبدالله با ۴۵ درصد و دکتر اشرف غنی احمدزی با ۳۱٫۶ درصد به دور دوم می روند و تاریخ رفتن پای صندوق های رأیدهی – دور دوم انتخابات ریاست جمهوری – را ۲۴ جوزای سال جاری اعلام کرد.

دکتر عبدالله عبدالله رهبر تیم اصلاحات و همگرایی، در اعلان نتایج ابتدایی و نهایی در صدر آراء و با تفاوت حدود یک میلیون رأی با رقیبش، در ردیف اول قرار دارد. گرچه بررسی های انجام شده از سوی تیم اصلاحات و همگرایی، نشان می داد که پیروز میدان پیکارهای انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳، دکتر عبدالله عبدالله بوده و نیاز رفتن انتخابات به دور دوم نبود.

حالا که این انتخابات به دور دوم کشانیده شد، به منظور نهادینه شدن دموکراسی بدور دوم می رویم و مردم مسلمان و متدین افغانستان با ماست اینها حماسهٔ حضور را همانند ۱۶ حمل در ۲۴ جوزا نیز به نمایش می گذارند.

جمعیت اسلامی افغانستان در حالیکه اعلام نتایج نهایی از سوی کمیسیون مستقل انتخابات را می پذیرد، از کمیسیون های انتخاباتی می طلبد، دور دوم را با شفافیت و در مطابقت با قانون و غیر جانبدارانه بسر برسانند. البته خواستار پاسخ های قناعت بخش از سوی این کمیسیون ها در مورد تقلب ها و تخطی های صورت گرفته نیز هستیم. دور اول، با تقلب های سازمان یافتهٔ همراه بود. بیش از ۵۰۰ هزار رأی تقلبی به نفع یک نامزد داخل سیستم، شمارش شده بود و سرنوشت ۴۰۰ هزار رأی دیگر نیز نامشخص بود. اینبار در صورت بروز هرگونه تقلب و تخطی و موضعگیری های یک جانبه، عواقب آن بدون شک بدوش ایشان خواهد بود.

در دور دوم مردم ما حماسه خواهند آفرید و بیشتر از پیش به صحنه خواهند آمد. نامزد دارای برنامه که همانا تیم اصلاحات و همگرایی است، بازهم با آرای شان وی را حمایت خواهند کرد و روی آنانی را سیاه خواهند ساخت که مرتبت و بزرگ منشی شان را با استفاده از نام قوم و زبان و منطقه می بینند و مزدبگیران بیش از این رهگذر نیستند.

با یکجا شدن تیم انتخاباتی اعتدال، برابری و سازندگی به رهبری دکتر زلمی رسول و تیم صلح و بازسازی به رهبری محمد شفیق گل آغا شیرزی و تیم ها و گروه ها و شخصیت های صاحب نفوذ دیگر که به تیم اصلاحات و همگرایی خواهند پیوست، تیم اصلاحات و همگرایی "برای تشکیل یک حکومت فراگیر ملی تلاش خواهد کرد." و محاسبهٔ که وجود دارد، پیروزی همین حالا متحقق شده است.

ICG

تبصره ای بر گزارش؛

گروه بین المللی بحران

■ **ابوبکر سبزوار**

گروه بین المللی بحران در گزارش اخیر خود هشدار داده است که اگر به تقویت نیروهای نظامی و انتظامی افغان توجه نشود، این نیروها بعد از سال ۲۰۱۴ توان مقابله با چالش های امنیتی را نخواهند داشت. این گروه از کشور های کمک دهنده به افغانستان می خواهد تا به کمک های شان به نیروهای افغان در طولانی مدت ادامه دهند.

این هشدار گروه بین المللی بحران در شرایطی به نشر می رسد که نیروهای امریکائی، بخشی از وسایل نظامی خود به ارزش بیش از ۷ میلیارد دالر را تخریب نموده اند و مبدل به آهن پاره ساخته اند که سرانجام این آهن پاره ها سر از کارخانه های ذوب آهن پاکستان بیرون می آورد. وسایل تخریب شده هزاران وسیلهٔ نقلیه را هم شامل است که در کشف و خنثی نمودن ماین از آنها استفاده بعمل می آمد.

امریکائی ها می گویند که مصارف انتقال این وسایل می تواند از قیمت آنان بیشتر باشد بنابراین انتقال آنها به صرفه نیست اما این بهانه را نمی توان موجه دانست زیرا مثلاً انگلستان بخش بزرگی از وسایل رزمی خود را انتقال داده است.

بهانهٔ دیگر امریکائی ها در تخریب و از کار انداختن این جنگ افزارها این است که به دلیل پیچیده بودن کارکرد این وسایل، نیروهای افغان توان استفاده از آنها را ندارند و به همین دلیل امریکائی ها حاضر اند تا بخشی از این وسایل را به پاکستان و حتی کشور های آسیای میانه بدهند اما نمی خواهند نیروهای افغان با آنها تجهیز گردد. این دلیل امریکائی ها اعتراف روشن به این حقیقت است که آنها در طول سیزده سال گذشته در بلند بردن ظرفیت نیروهای افغان کاری انجام نداده اند که آنها توان استفاده از وسایل رزمی مدرن تر را ندارند. پس آنها باید به سلاح های سبک چون کلاشینکوف و یا تفنگ های امریکائی ام ۱۶ اکتفا کنند که در دوران جنگ ویتنام کارائی خود را نشان داده اند.

در تجهیز و آموزش نیروهای نظامی و انتظامی افغانستان در طول سالهای گذشته، تمام توجهٔ امریکا و یارانش به مبارزه علیه تروریسم در محدودهٔ مرز های افغانستان متمرکز بوده است. برای این منظور آنها نیروهای افغان را فقط در حد یک نیروی که باید با شورشگری در داخل کشور مقابله کنند، ایجاد نمودند نه یک نیروی نظامی مسلکی که توان مقابله با چالش های فراتر از این محدوده را داشته باشند. به همین دلیل آنها نیروی هوائی را در اردوی ملی افغانستان فقط محدود به داشتن چند طیارهٔ باربری کهنه و فرسودهٔ امریکائی که تاریخ مصرف آن سالها قبل بسر آمده و چند هلی کوپتر روسی ساختند که تحویل دهی این هلی کوپترها هم به دلیل اختلاف میان روسیه و غرب بر سر مسئلهٔ اوکراین، از جانب ماسکو به تعویق افتاده است.

دلیل این کار امریکائی ها نیز مشخص است؛ آنها می خواستند تا نیروهای نظامی افغان را تا آینده های دور به حمایت هوائی نیروهای خارجی که بعد از سال ۲۰۱۴ در افغانستان باقی خواهند ماند، وابسته نگه دارند. این تقریبا همان کاری است که بعد از جنگ دوم جهانی با جاپان و آلمان کردند و به آن کشورها حتی اجازهٔ داشتن یک اردوی کوچک را نیز ندادند. دهها سال بعد از جنگ دوم جهانی وقتی امریکا توانست تکنالوژی نظامی خود را در حدی که این کشور ها دیگر توان مقابله با آن را ندارند ارتقا داد، جاپان و آلمان بصورت محدود اجازهٔ داشتن نیروی نظامی را آنهم بعنوان نیروی کمکی با نیروهای امریکائی و ناتو بدست آوردند. این سرنوشت همه کشور هائی است که در جنگ از امریکا شکست خورده اند.

وقتی گروه بین المللی بحران از کشور های کمک دهنده به افغانستان می خواهد تا نیروهای این کشور را بعد از سال ۲۰۱۴ تنها نگذارند، اشاره ای به اینکه این نیروها چگونه باید مورد حمایت قرار گیرند، نمی نماید و فقط به دوام کمک های مالی تاکید دارد. شاید به این دلیل که نمی خواهد تداخلی در حوزهٔ کاری نظامیان داشته باشد، به لزوم توجه به کیفیت کار توجهی ندارد. شاید این نهاد می خواهد بگوید که کارش فقط مشورت دادن است نه کنکاش در چند و چون کمک های نظامی. در گذشته نیز این گروه در بارهٔ مسایلی که با امنیت افغانستان رابطه دارد ابراز نظر نموده و گاهی از وقوع جنگ داخلی در افغانستان هشدار داده و زمانی هم دولت افغانستان از مذاکره با طالبان به این دلیل برحذر داشته که ممکن است این کار به دادن امتیاز به طالبان در برابر صلح با این گروه بیانجامد و در نتیجه گروه های دیگر را ناراضی سازد.

در گزارش اخیر گروه بین المللی بحران نیز اشاره ای به ضرورت صلح در افغانستان نمی یابیم و صحبت از کمک مالی به نیروهای افغان است تا به جنگ ادامه بدهند در حالیکه این گزارش اذعان دارد که با آنکه نیروهای امنیتی افغانستان توانستند حملات بی‌شمار شورشیان را عقب بزنند اما خود متحمل تلفات سنگین شدند.

این همان مرحله ای است که جنگ باید بومی شود و بنابراین در جنگی که جان خارجی ها به خطر نمی افتد و افغان را می کشد، باید کمک کرد تا این جنگ تا آینده های دور همچنان ادامه یابد!

اما مردم افغانستان به این باور اند که افغانستان نیازمند صلح است. تجربهٔ سیزده سال جنگ اخیر نیز در افغانستان گواه این حقیقت است که دوام جنگ، شاید بتواند اهداف پیدا و پنهان کشور های خارجی را برآورده سازد اما تداوم چنین جنگ به هیچ صورت به نفع مردم افغانستان نیست.

اعلامیهٔ وزارت امور داخلهٔ جمهوری اسلامی افغانستان در پیوند به درگیری نیروهای پولیس سرحدی افغانستان و نظامیان پاکستانی در ولسوالی معروف ولایت کندهار

بر اساس اطلاعات قوماندانی عمومی پولیس سرحدی وزارت امور داخله، ساعت ۶:۰۰ صبح امروز– مورخ (۲۵ ثور) درگیری میان نیروهای پولیس سرحدی افغانستان و نظامیان پاکستانی در منطقهٔ پریانوکلی ولسوالی معروف ولایت کندهار به وقوع پیوست که در نتیجه یک پولیس سرحدی افغانستان به شهادت رسیده است.

انا لله و انا الیه راجعون

برنبیاد اطلاع دقیق، نظامیان مرزی پاکستان در یک تخطی آشکار و برخلاف موافقت نامهٔ سه جانبه میان افغانستان، پاکستان و ناتو از چند روز بدینسو تلاش داشتند تا خندق های را برای ایجاد پوسته های امنیتی به عمق دو متر در آن سوی خط دیورند و در میان فاصلهٔ چهار کیلومتری حفر نمایند که با ممانعت پولیس سرحدی افغانستان مواجه گردیده اند. اما با تاسف نظامیان مرزی پاکستان به اعتراض پولیس سرحدی افغانستان مبنی بر توقف حفر خندق ها توجه نکرده که منجر به درگیری گردیده است.

برنبیاد طرز العمل سه جانبه میان افغانستان، پاکستان و ناتو هیچ کشوری حق ندارد از فاصلهٔ چهار کیلومتری خط دیورند نقطهٔ صفری میان دو کشور پوسته یا خندق ایجاد نمایند. ولی نظامیان پاکستانی تلاش دارند تا خندق ها را بر خلاف طرزالعمل سه جانبه حفر نمایند.

بناءً وزارت امور داخلهٔ جمهوری اسلامی افغانستان، حفر خندق ها را در امتداد فاصلهٔ چهار کیلو متری مرز میان دو کشور از سوی نظامیان پاکستانی نقض آشکار توافقات سه جانبه می داند.

همچنان وزارت امور داخله کشور با آن که خواهان توقف هرچه سریع حفر این خندق ها است، هیاتی را برای بررسی چگونگی این رویداد به محل فرستاده است و از حکومت پاکستان می خواهد تا قوانین سرحدی را میان دو کشور رعایت نماید.



شهید صلح استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت، با هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت ایران

از افغانستان تا اوکراین

■ **وحید مژده**

ماجرای اوکراین هر روز ابعاد تازه می یابد. در همه پرسی در شهرهای لوهانسک و دونسک هم حدود نود درصد شرکت کننده گان به جدائی از اوکراین رای دادند. قبلاً در همه پرسی مشابه، اکثریت مردم در منطقهٔ بندری کریمه به جدائی از اوکراین و پیوستن به روسیه رای دادند. به این ترتیب با تحولات اخیر، بخش بزرگی از شرق اوکراین خود را مستقل از حکومت مرکزی در کیف اعلام نمودند.

تمایلات تجزیه طلبی زمانی در این کشور اوج گرفت که مردم در پایتخت شهر کیف، با قیام خویش علیه ویکتور یانوکویچ رئیس جمهور هوادار ماسکو، وی را مجبور به فرار از کشور نمودند و قدرت بدست کسانی افتاد که خواهان پیوستن اوکراین به اتحادیهٔ اروپا و داشتن روابط نزدیک با غرب بجای فدراسیون روسیه بودند.

نیروهای دولت مرکزی اوکراین نتوانستند در برابر قیام های تجزیه طلبی در شرق اوکراین دست به کاری بزنند. نیروهای روسیه در نزدیکی مرزهای اوکراین دست به تمرینات نظامی زدند و به نظر می رسد که این اقدام آنان در تضعیف روحیهٔ نیروهای نظامی اوکراین بی تاثیر نبود.

هواداران روسیه در شرق اوکراین توانستند به سهولت مانع از حملات نیروهای دولتی شوند و کنترول تمام مراکز دولتی و تلویزیون را بدست آورند. در آخرین از این مورد، دو شهر لوهانسک و دونسک نیز بدست تجزیه طلبان افتاد. هرچند امریکا و اتحادیهٔ اروپا اعلام نمود که این همه پرسی را غیرقانونی می داند و این تحولات را ناشی از مداخلات روسیه در امور داخلی اوکراین بشمار می آورد اما به نظر نمی رسد که غرب در برابر تحولات اوکراین که روسیه از آن بهره می برد، توان اقدامات دیگری جز وضع تعزیرات را داشته باشد. امریکا اعلام نموده که دارائی های بعضی از مقامات روسی از جمله ولادیمیر پوتین را در خاک امریکا مسدود ساخته است اما این اقدامات کاملا سمبولیک است درست مانند اقدامات وزارت خزانه داری امریکا علیه حکیم الله محسود، سراج الدین حقانی یا سنگین زدران که امریکا دارائی های آنها را در امریکا مسدود ساخت!!

اما روسیه کشوری است که در طول چند قرن گذشته بر محیط پیرامونی خویش نفوذ خود را گسترده بود. در دوران جنگ سرد، تسلط اتحاد شوری از اروپای شرقی گرفته تا آسیای میانه و حتی شمال افغانستان برسیمت شناخته شده بود. ضعیف ترین حالت که روسیه این توانمندی خود را در طول چند قرن از دست داد، بعد از سال ۱۹۹۲ میلادی و فروپاشی اتحاد شوروی بود.

امروز روسیه با حربهٔ «ارادهٔ مردم» در شرق اوکراین به مقابله با امریکا برخاسته است. مردم شرق اوکراین با رای شان پیوستن به روسیه را بر می گزینند. آیا این یک انتخاب دیموکراتیک نیست؟

***

اما این ماجرا یک تصویر دیگر را نیز در مقابل ما قرار می دهد؛ اگر نیروهای مسلح اوکراین توان جنگیدن را نداشتند، مردم چرا به مقابله برنخاستند و از یک پارچگی کشور شان دفاع نکردند؟

در افغانستان نیروهای مسلح ما توان دفاع از کشور در برابر تجاوز اتحاد شوروی را نداشتند و این مردم بودند که در یک جنگ کاملا نابرابر، هم در برابر نیروهای مزدور داخلی و هم در برابر تجاوز گران ایستادند و سرانجام با دادن یک و نیم میلیون قربانی، نیروهای شوروی را که از نظر توان رزمی اصلاً با روسیهٔ امروز قابل مقایسه نیست، به شکست و عقب نشینی از افغانستان وادار ساختند. این درحالیست که در اوکراین مداخلهٔ مستقیم نظامی روسیه مشهود نیست اما نیروهای مسلح آنکشور حتی از مقابله با شبه نظامیان مورد حمایت روسیه نیز عاجز آمدند.

اینجاست که باید در برابر حماسهٔ عظیمی که افغانهای مجاهد در پایان قرن بیستم آنرا شکل دادند، سر تعظیم فرود آورد. این افغانها بودند که با ایستادن در برابر تهاجم ارتش سرخ، با حصاری از سپر سینه های خویش این نیروی اهریمنی را در کوهپایه های هندوکش متوقف نمودند و زمینگیر ساختند.

در شهر کیف پایتخت اوکراین موزیمی از جنگ افغانستان وجود دارد که در آن در کنار وسایل جنگی که در جنگ علیه مجاهدین در افغانستان بکار گرفته شده بود، عکس های هزاران سرباز اوکراینی که در جنگ افغانستان کشته شده اند نیز به نمایش گذاشته شده است. این عکس ها نشان می دهد که اوکراینی ها زمانی بخاطر اهداف تجاوزگرانهٔ اتحاد شوروی حاضر شدند تا در کشوری دور دست کشته شوند اما امروز در کشور خود حاضر به مقابله با نیروهای مورد حمایت روسیه نیستند. چرا؟!!

در حالیکه جهان غرب ظاهراً یک پارچه و با تمام امکانات به حمایت از اوکراین برخاسته است و بقول مقامات هوادار غرب در کیف این کشور در معرض تجاوز مستقیم روسیه قرار دارد، چرا اثری از اتفاقی که در افغانستان افتاد در اوکراین مشهود نیست؟ چرا در جنگل های انبوه اوکراین که در بخش های وسیعی از این کشور گستره است اثری از چریک کلاشینکوف بدستی را نمی یابیم که بخاطر دفاع از یک پارچگی کشورش سینه سپر کند و بجنگد؟

یک دلیل این عدم تمایل شاید این باشد که اوکراینی ها نمی خواهند تا شهر های خود را ویران کنند. هدفی که آنان بدنبالش هستند آنقدر بزرگ نیست که ارزش ویرانی کشور شان را داشته باشد و اشتباه ما افغان ها این بود که هدفی بزرگتر از ویرانی کشور خود را در نظر داشتیم!!

شاید اوکراینی ها تجربهٔ جنگ های دیگر را در نظر دارند که ممکن است بعد از پیروزی و زمانی که اهداف غرب در اوکراین تحقق یابد، جنگجویان اوکراینی هم به «جنگ سالار» بودن متهم گردند، حرکت شان حمایت از تروریسم به شمار آید و کمیسیون امریکائی حقوق بشر اوکراین علیه آنان هم گزارش «عدالت انتقالی» ترتیب دهد!!

کسانی که در دوران جنگ قهرمانان دفاع از حریم مقدس آزادی خوانده می شدند و مورد حمایت بودند، فردای پیروزی تفنگ سالار خوانده شده کنار زده شوند و کسانی که هیچ پیوندی با مردم اوکراین ندارند، به این کشور آورده شوند و در یک انتخابات پر تقلب مورد حمایت سازمان ملل متحد و اتحادیهٔ اروپا، شخصی به قدرت برسد که حامی منافع غرب بوده و دار و ندار کشور را دو دستی تقدیم غرب نماید!

رهبران مقاومت و جنگ علیه روسیه در اوکراین هم که در دوران جنگ انجیل بدست مردم را به «روس کشی» و «آزادی خواهی» تشویق می کردند، فردای پیروزی دست در دست امریکا بگذارند، با فساد اداری و غصب زمین و صدها فساد دیگر فقط به فکر جیب های خود باشند!!

پس تجربه ای که اوکراینی ها از جنگ افغانستان می توانند بگیرند اینست که حسرت یک جنگ دیگر شبیه به جنگ افغانستان را این بار در شرق اروپا در دل غرب باقی بگذارند و سربازان حمایت از دنیای یک قطبی نشوند.

هشدار سازمان ملل از تاثیرات جنگ بر حیات کودکان

تکساری

دفتر هیئت معاونیت سازمان ملل وضعیت کودکان در افغانستان به بررسی گرفته و آن را خیلی تکان دهنده توصیف نموده است. این سازمان جزوه یی را به همین مناسبت به زبان های دری، پشتو و انگلیسی به نشر سپرده و در آن وضعیت کودکان را در جنگ های مسلحانه کشور بسیار ناهنجار و تکان دهنده عنوان نموده و نام این جزوه را (محافظت کودکان افغانستان در جنگ های مسلحانه) نام گذاری کرده است. در این جزوه حقوق کودکان از منظر اسلام، میثاق های بین المللی حقوق کودک و حقوق بشر جهانی به تحلیل گرفته شده است و طرف های درگیر در جنگ را وادار به رعایت حقوق کودکان نموده است. یانکوبیش فرستادهٔ ویژهٔ سازمان ملل متحد برای افغانستان در مراسم رونمایی این جزوه کوچک در دفتر کمیسیون حقوق بشر افغانستان اظهار داشت که گروه های مسلح در افغانستان از کودکان در جریان جنگ های مسلحانه بهره برداری می نمایند و آن ها را در جهت اهداف خویش به خدمت می گیرند. از کودکان در افغانستان به عنوان خبر رسان و سپر بلا در جنگ استفاده می شود.

به هر صورت کودکان در جنگ های مسلحانه این کشور دخیل می باشند، از اینرو کودکان از زمره آسیب پذیر ترین قشر مظلوم جامعهٔ افغانستان به حساب می آیند. بسیاری از کودکان در افغانستان میراث جنگ و خشونت را تجربه نموده اند و در یک محیط جنگی بزرگ گردیده اند. این کودکان بدون شک شاهد جنگ های مسلحانه و خشونت های ناشی از آن را به چشم سر مشاهده نموده اند. جنگ های چندین ساله کودکان را از حقوق طبیعی خود محروم ساخته و حق حیات و زنده گی را از آن ها گرفته و هنوز هم می گیرد.

امروز میلیون ها کودک در افغانستان از رفتن به مکتب محروم اند. تعداد زیادی از کودکان معیوب، معلول و دچار مواد مخدر اند و تعدادی هم به کار های شاق می پردازند. این ها و ده ها موارد دیگر وجود دارد که اطفال نمی توانند به حقوق طبیعی خود دست یازند. امروز میلیون ها کودک در سراسر کشور از حق بهداشت، آموزش و پرورش محروم اند. تهیه کننده گان این جزوه (محافظت کودکان افغان در جنگ های مسلحانه) پس از گفتگو ها میان یوناما، رهبران مذهبی، دانشمندان و افراد متخصص از نهاد های مختلف علمی و اجتماعی تهیه گردیده است. به گفتهٔ این سازمان هدف از نشر این جزوه حفاظت کودکان از جنگ می باشد. قرار گزارش کمیسیون حقوق بشر افغانستان تلفات کودکان در جنگ در سال های اخیر گزارش یافته است و تلفات کودکان به رنگ نمونه در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۹۱ چهارده درصد افزایش را نشان می دهد. به گزارش کمیسیون حقوق بشر افغانستان قاچاق کودکان به مقاصد تبهکارانه، از جمله ترافیک مواد مخدر، ارسال کودکان به کشور های خارجی برای آموزش انتحاری و اعمال کار های شاق از موارد بسیار نگران کننده است که نیازمند توجهٔ جدی دولت است و بر دولت است تا بر فرهنگ معافیت در برابر کسانی که با کودکان اعمال ناشایست و خلاف معیار های انسانی انجام می دهند پایان دهد.

نظر به دریافت دفتر هیئت معاونیت سازمان ملل متحد در کابل، در سال ۲۰۱۳ در نبرد های مسلحانه افغانستان ۵۴۵ کودک کشته شده و ۱۱۴۹ کودک دیگر زخمی گردیده اند. از موارد دیگر نقض آشکار کودکان، وجود ماین ها و کار گزاری مواد منفجر نا شده اعلان شده است که از آن به عنوان قاتل غیر نظامیان در افغانستان یاد گردیده است. به هر پیمانه یی که جنگ در افغانستان شدت یابد، کودکان در آن دخیل می باشد و بیشترین صدمات را کودکان در افغانستان متحمل می گردند. این کودکان اند که در فصول مختلف سال به کار های شاق و طاقت فرسا می پردازند و از حقوق طبیعی خود که همانا آموزش و پرورش و بهداشت می باشد محروم اند. این گزارش دولت و مخالفان آن را مکلف به رعایت حقوق این قشر مظلوم می سازد. هر قدر کودکان ما از حقوق آموزش و پرورش و بهداشت محروم گردند جامعهٔ فردای ما معلوم و معیوب خواهد بود. جامعهٔ فردای ما بستگی به کودکان امروز دارد. سرمایه گذاری در برابر کودکان در حقیقت ساختار جامعهٔ آینده را تضمین می نماید. دولت باید بخاطر یک جامعهٔ سالم و بدون دغدغه باید سرمایه گذاری بزرگ را در برابر اطفال و کودکان انجام دهد تا جامعهٔ آیندهٔ ما مسئول بار گردد و قوام و ثبات را بوجود آورد. اطفالی که با روحیه بزرگ می شوند در آینده فقط برای معاصرین خود نفرت و خشونت را تبارز خواهند کرد. باید برای بهتر کشور از امروز هزینه های سنگین پرداخت تا آنها را از مصایب و دشواری های خطرناک نجات داد.

په مشرتابه او انسان سازی کې د نبوي سیرت ونده

لیکوال: شیخ سالم الصفار
ژباړه: اجرالدین اقبال

یوه لسمه برخه

د اسلام له نظره،کار او عمل واجب دی او کار د انسان د دنیا او آخرت د نېکمرغی لامل دی، چې دا آیت دې حقیقت ته اشاره کوي:

(توبه/ ۱۰۵) او (ورته) ووایه: (هرکار چې غواړئ) و یې کړئ ! خدای او پیغمبر یې او مؤمنان ستاسې کړه ګوري! او ژر به د پټو او ښکاره وو پوه ته وراندې کړای شئ؛ نو څه چې مو کول، تر هغو به مو خبرکړي !))

او دا چې د ټولنې پیاوړتیا په زیار او ډله ییز کار پورې اړه لري؛ نو قرآن هم دې خبرې ته اشاره کړې او وايي:

(مائده/ ۲) مؤمنانو ! د دین د نښو او الهي پولو(او د حج د مراسمو) او د(هرې یوې) حرامې میاشتې درناوی وکړئ او د قربانیو په نښه شویو او بې نښو څارویو ته لاس مه غځوئ او هغوی (هم) مه خوروئ،چې د خپل پالونکي د فضل په لټون او د خوښۍ لپاره یې د ((بیت الله)) پر لور ځي؛خو چې له احرامه راووتلئ، ښکارکولای شئ او له یوې ډلې سره دښمني دې،چې پر تاسې یې (د حدیبیې پر کال) د مسجدالحرام لار تړلې وه،تاسې و نه هڅوي،چې تېر ی پرې وکړئ او(تل) په نېکیو او پرهېزګارۍ کې له یو بل سره مرسته وکړئ او (هېڅکله) په ګناه او تېریو کې دیو د بل لاسنیوی مه کوئ او د خدای (د فرمان له مخالفته) ځان وساتئ؛(ځکه) چې خدای سخت عذابی دی.)

قرآن وایي: پر ځمکه کوښښ کول،د حلال رزق لاس ته راوړل دي او په دې اړه وايي:

(بقره/۱۶۸)=خلکو! تر هغو (ځېزونو) وخورئ،چې په ځمکه کې حلال او پاک دي! او د شیطان پر پلو مه ځئ، چې هغه مو ښکاره دښمن دی.))

انساني کار او له یو بل سره مرسته، بېلابېلې ښې پایلې لري،چې یوه یې د شتمنۍ لاس ته راوړل دي،چې موږ ورته د اقتصاد په برخه کې اشاره کړې ده .

دین د شتمنۍ سمې ساتنې ته د انفاق سپارښتنه کړې:

(فرقان/ ٦٧)= او هغوی چې کله (د خدای په لار کې) لګښت کوي؛نو نه بې ځایه لګښت کوي او نه بخیلي؛بلکې منځلاري وي.))

د حلال رزق تر ګټلو او انفاق وروسته،په اسلامي ټولنه کې د تزکیې (نفسپاکی) او ټولنیزو دندو وار دی. په دې اړه قرآن وایي:

(معارج /٢٤)= اوهغوی چې په مالونوکې یې یو ټاکلی حق وي))

((لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ(معارج /٢٤) = د سوالګر او بې برخې لپاره (چې له بېوسۍ سره سره سوال نه کوي))

(توبه/ ۱۰۳)=د هغوی له مالونو (د زکات په نامه) صدقه واخله،چې په هغه یې پاك او سوتره کړې او (د زکات اخیستو پر وخت) ورته دعا وکړه؛ځکه چې ستا دعا ورته ډاډېنه ده او خدای اورېدونکی (او) پوه دی .))

۲_ شورا:

سلا مشوره اسلامي اصل او مدیریتي فن دی او لکه څنګه چې د منفي او مثبتو جریانو له یو ځای کېدو برېښنا پیدا کېږي؛مشوره هم د افکارو د پیاوړتیا او د بشري ټولنو د پرمختګ لامل ګرځي او اسلام د عقل،فطرت او انسانیت د دین په نامه، ددې اصل د پلي کولو مخکښ دی.حال دا چې بې دینه ټولنې تر ډېرو خونړیو جګړو وروسته دې اصل ته ورسېدلې،هغه هم په نیمګړې توګه.



په ټولنه کې اسلامي شورا،د نصیحت،سرښندنې او احساس له مخې د پلي کېدو وړ ده،نه د نورو هېوادو په څېر،چې مشوره له مخې د مقابل لوري د بهرولو لپاره وي،چې د اسلامي شورا او نورو شوراوو بنسټیز توپیر په همدې خبره کې دی .

چې کله دویم خلیفه د "ایران" د فتحې په موخه بهر راووت؛ نو حضرت "علي" ورته وویل: ((ته د مسلمانانو واکمن یې؛نو غوره به وي،چې په پلازمېنه کې پاتې شې او جګړې ته بولندوی وټاکې.)) خلیفه همدا مشوره ومنله. د پیغمبر اکرم له نظره،په اسلامي شورا کې لاندې دوو ټکیو ته پام د شورا د پیاوړتیا لامل ګرځي:

الف_ تر ټولومسلمانانو سره مشوره،نه له یوې ځانګړې او ټاکل شوې ډلې سره،چې له دې لارې د افکارو خاوندان خپل نظر ښکاره کړای شي.

د "بني ساعده په سقیفه" کې، چې لومړی خلیفه یې وټاکه،ډېر غوره مشاوران؛یعني "نبوي کورنۍ" او "بني هاشم" نه وو، چې مشر یې "علي" و؛نو ځکه د اسلامي خلافت بنسټ کوږ کېښوول شو،چې پایله یې په درېیم خلیفه پسې د خلکو پاڅون و، چې بیا ټول مسلمانان راغلل او د "علي" (ک) ټاکنې ته یې راودانګل؛لکه چې مسلمانانو غوښتل،د تېرو شوراوو نیمګړتیا تکرار نشي،چې اصلي سلا کاران پکې نه وو.

[خوشال بابا وايي: ((چې اختلاف یې د اصحاب په مخ کې راشي – د مفهوم موکار هغو زده چې مفهوم دی. ژباړه))]

ب_ باید د هرې شورا په سر کې تکړه،مدیر او مدبر مشر وي،چې وروستی پرېکړه وکړای شي .

پیغمبر اکرم د زړه له کومي پردې اسلامي دود عمل کاوه،چې قرآن یې په اړه ویلي دي: (شوری / ۳۸) =او د هغو کسانو (لپاره دي) چې د خپل پالونکي (بلنه) یې منلې او لمونځ یې کړی وي او خپلمنځي چارې په مشورې سره سرته رسوي او څه چې موږ ورته ور روزي کړې (د خدای په لار کې یې) لګوي)) (٦٧)

او همداراز یو بل آیت،چې پیغمبر اکرم ته خطاب دی،وایي:

(آل عمرآن / ۱٥٩)

خلکو ته د الهي رحمت (په برکت)؛ نرم (او مهربان) شوی یې او که تونده خویه او سخت زړی وې؛نو خلك درځنې خپرېدل؛نو تر هغوی تېر شه او بښنه ورته وغواړه او په چاروکې ورسره مشوره وکړه؛خو چې کله دې هوډ وکړ (؛نو پرېکنده اوسه) او پر خدای توکل وکړه؛ځکه چې توکل کوونکي د خدای خوښېږي.))

پیغمبر اکرم له یارانو سره تر سلا مشورې وروسته،په خپله پرېکړه کوله او عملي کوله

"امین الاسلام طبرسي" له رسول اکرمه روایت کړی: ((چا چې د اړوند کار له کارپوه سره سلا مشوره وکړه؛ نو پر سمه به هدایت شي))

شورا او ولسواکي

پېړی پېړی مخکې له دې،چې په نړۍ کې د ولسواکۍ فکر رامنځ ته شي،په اسلامي ټولنه کې د سلامشورې او شورا اصل دود و او مسلمانانو به د الهي تقوا او دیني ارزښتونو له امله ان په سرښندنه او د خپلو شخصي ګټو د لاسه ورکولو په بیه،د دې اصل د پلي کولو په موخه،یو بل ته سلا مشوره ورکوله.

د نوې ولسواکۍ روح هم د ټولنې د وګړیو له رای او تجربې ګټه اخستل دي. ویلای شو:د اسلامي شورا بنسټ تر ولسواکۍ پراخه دی.

اسلامي عالمانو د اسلامي دولتو لپاره د((اهل حل وعقد)) د شورا خبره رامنځ ته کړې،چې د دیموکراتیکو نظامو پارلمانو ته ورته ده او هماغه ونډه لري.(٧٠) او ویلي یې دي،چې غړي یې باید عادل،حکیم،ټولنپوه او د نظر خاوندان وي،چې وکړای شي د واکمنی او مشری په کچه برابر وي او له خپل منځه هغه خپل مشر وټاکي، چې تر ټولو اسلام او مسلمانانو ته وړ وي.

(وګورئ : ماوردي ،احکام السلطانیه)

ادامه لری

باید آزادی بیان را پاس داشت

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

طی سال های اخیر همه ساله روز مطبوعات به تاریخ سوم می تجلیل می شود. رئیس جمهور کشور در آخرین سخنان خود آزادی بیان و رسانه ها را از دستآورد های مهم حکومت سیزده سال گذشته عنوان کرد و آن را در حال پیشرفت خواند. به نظر موصوف آزادی رسانه ها در افغانستان نسبت به کشور های همسایه و منطقه کم نظیر می باشد.

آزادی بیان و رسانه ها از مولفه های عصر مدرنیته بعد از قرن نزده در جهان می باشد و افغانستان بعد از دههٔ دموکراسی تا اکنون در این زمینه پیشرفت ها و کندکاری هایی نیز داشته است. بعد از ادارهٔ موقت بزرگترین دستآورد این حاکمیت آزادی مطبوعات و انتشار رسانه های صوتی و تصویری در کشور بوده است. هیچوقت رسانه های دولتی و شخصی در افغانستان به این سطح رشد نداشته است. رسانه ها در جهت اطلاع رسانی و آگاهی مردم نقش بسیار اساسی و ارزنده دارد و از ارقام مهم یک اجتماع قانون مدار می باشد.

آزادی بیان و رسانه ها در شهر های بزرگ افغانستان، در جهت اطلاع رسانی ظرف سال های اخیر کار های ارزشمندی را انجام داده است. هر چند امروز ما در افغانستان یک رسانهٔ صوتی و تصویری سراسری در کشور نداریم و بسیاری از مناطق دور دست از مفاد رسانه و آزادی بیان بی بهره اند و هنوز صدای مردم مظلوم کشور به گوش مقامات دولتی نمی رسد و مطبوعات فقط در شهر های بزرگ و برای کسانی که دسترسی به اخبار و رسانه دارند پوشش می دهد. آزادی بیان و رسانه در محیط های شهری پیشرفت های زیادی داشته است. با وصف این گونه پیشرفت ها در بعضی از ولایت و مناطق مردم دسترسی به مطبوعات ندارند و بسیار دیده شده که خبرنگار مورد لت و کوب، ضرب و شتم، توهین و تحقیر از سوی اشخاص زورمند و افراد غیر مسوول قرار گرفته است و خبرنگاران مجال نمی یابند که اعمال افراد و اشخاص را پوشش خبری بدهند.

طی سال های اخیر تعدادی از خبرنگاران کشته و یا زخمی گردیده و افغانستان به جهنم خبر نگاران تبدیل گردیده است. از شروع سال جاری تا کنون ما شاهد قتل های بی رویهٔ خبرنگاران از سوی مخالفان دولت در کابل و خوست بوده ایم و آمار خشونت در برابر خبرنگاران نه تنها کاهش نیافته؛ بلکه بیشتر نیز گردیده است. این خشونت ها در برابر خبرنگاران تنها منحصر و منوط به مخالفان دولت نیست؛ بلکه خشونت ها از سوی دولت، ناتو و افراد ناشناس صورت گرفته است. با وجود این همه تهدید ها، صدای رسانه ها هر روز رساتر می شود و امروز مردم به رسانه ها و آزادی بیان اهمیت زیاد قایل اند.

مردم حق دارند تا اطلاع سالم و بی طرفانه برای آنها داده شود تا مردم بتوانند از چگونگی حوادث و رویداد ها در سر زمین خود، وقوف حاصل نمایند. دیدبان رسانه های آزاد افغانستان قتل ۴۲ خبرنگار را در ظرف سیزده سال ثبت کرده است که این یک نوع شهامت و رزمنده گی خبرنگاران را در برابر وظیفهٔ سنگین شان نشان می دهد. دههٔ دموکراسی در افغانستان از آن جهت با ارزش است که در آن دهه یک نوع آزادی رسانه یی وجود داشته است و از این آزادی بیان و رسانه طوریکه دیده شد تعدادی استفادهٔ نا جوانمردانه نمودند و کشور را به سوی بحران کشانیدند، زیرا این اعمال و حرکات آن ها برخلاف ارزش های ملی و اسلامی در کشور بوده است در حالی که توهین به کرامت اشخاص و حریم خانواده گی از جملهٔ خطوط قرمز است که هیچ رسانه نمی تواند از آن عبور نماید. این خطوط قرمز همان ارزش های ملی، اسلامی، مصالح علیای کشور، حفظ وحدت ملی و ... می باشد که آزادی بیان و رسانه ها باید این موارد را در نظر داشته باشد و در چوکات قانون اساسی کشور عمل نماید.

هر نوع فعالیت لگام گسیخته و غیر مسوولانه شامل آزادی بیان نیست. آزادی بیان همان فعالیت هایی است که در چارچوب ارزش های ملی از حق و عدالت دفاع صورت گیرد. هر جا که حقوقی تلف می شود، رسانه باید در دفاع از آن بر خیزد و صدای داد خواهی مردم را به گوش مقامات و مسوولان حکومتی برساند. اما چیزی که تا هنوز کمبود آن در حوزهٔ مطبوعات محسوس است همان قانون حق دسترسی به اطلاعات است که تا هنوز از سوی پارلمان به تصویب نرسیده است و با وجود تلاش ها یک سلسله موانع در برابر تصویب این قانون وجود دارد و همچنان قانون کاپی رایت و حق نویسنده و دفاع از نویسنده و حقوق آن از سوی مرجع تقنینی مورد توجه قرار نگرفته است. این ها و مسایل دیگری است که می تواند آزادی بیان و رسانه ها را تقویت بخشیده و نظارت خویش را بر اعمال حکومت بیشتر سازد.

نوشتۀ عبدالحق امیری
۲۰ اپریل ۲۰۱۴، ژنیو

چند مشوره به حکومت آیندۀ کشور

راه های توفیر زمینه های اشتغال

بیکاری مادر تمام امراض اقتصادی و اجتماعی بحساب می رود. بهر اندازۀ که به تداوی این مرض توجۀ لازم صورت گیرد به همان اندازه مجتمع ما سالم و فعال ببار می آید. ما در حالی به این مشکل دست و گریبان داریم که کشور در برابر چالش های حساس و خطرات اساسی متعدد و ویرانگر قرار دارد. هنوز هم فرهنگ ویرانکاری، کشتار و انتحار در شاهرگ های حیاتی مجتمع ما شیوع یافته است که امید برای آیندۀ درخشان را، مبهم و نامعلوم می سازد. جغد شوم جنگ و خونریزی هر صبح و شام در شاخه های لرزان درختان باغ و کوچه و پس کوچۀ ما چیغ می زند. هرگاه توجهی جدی نشود با تاسف باید این خوف و خطر را اندک نشماریم که با بیرون رفتن نیروهای خارجی جوی های پر سخاوت کمک های بلاعوض ایشان نیز خشک خواهد شد؛ اقتصاد نوپای متکی به کمک های بیرونی به رکود مواجه خواهد شد؛ دولت توانایی پرداخت معاشات و مخارج یومیه اش را از دست خواهد داد؛ چادر ذلتبار بیچاره گی، قحطی و تنگدستی بار دیگر برآسمان ابر آلود حیات مردم ما مستولی خواهد گشت؛ پسران و دختران جوان ما از نعمت تعلیم محروم خواهند شد؛ مردم از دسترسی به ابتدایی ترین خدمات حیاتی محروم باقی خواهند ماند و ... اینهمه همان حالتی است که دشمن ما می خواهد و انتظار آنرا دارد.

اگر زمینه های اشتغال برای نسل جوان فراهم گردد اکثریت مشکلات اجتماعی حل گردیده راه به سوی یک نظام اقتصادی فعال، مولد و کار افزا هموار گردیده، زمینه های صلح و ثبات پایدار نیز ایجاد می گردد. همه می دانیم که ایجاد فرص عمل و اشتغال زایی در کشوری که تازه از میان انبوه مشکلات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی قامت بر افراشته است و همواره مسیر پرخم و پیچ دموکراسی، تنوع گرایی و احترام به حقوق اولیه مردم را پیروی می کند، آنهم در عدم موجودیت منابع تمویل کننده، کار ساده ای نیست. توفیر زمینه های کار و اشتغال در ذات خود نتیجۀ روی دست گرفتن برنامه ها و سیاست های بکر و ایجادگر می باشد که به یک سیستم مالیاتی موثر، توسعۀ بخش های تولیدی و بلند بردن میزان تولید نیاز دارد. برای نیل به این هدف باید حکومت آیندۀ کشور به چند نکتۀ ابتدایی ذیل توجه مبذول دارد:

یکم: ادامۀ سیاست سرمایه گذاری در اعمار زیر بناهای حیاتی در راس اولویت های حکومت آیندۀ کشور قرار گیرد. دولت داران آینده باید قبول کنند که در سیزده سال گذشته پیشرفت های خوبی در جهت اعمار شاهراه ها، ایجاد پُل ها و پلچک ها، بازسازی جوی های آبیاری، اعمار بندهای برق .... صورت پذیرفته است که در رشد پروسۀ اقتصادی و خلق کردن زمینه های کاری نقش ارزنده دارد. باید با استفاده از منابع مالی که از طریق کمک های بیرونی و یا از ادارات مالی بین المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بطور قرضه و یا بلاعوض بدست می آید در اعمار سرک ها در ولایات و ولسوالی ها، در ایجاد بندهای برق کوچک و متوسط آبی در مناطقی که امکان آن وجود داشته باشد، ایجاد زمنیه های استفاده از انرژی آفتاب، در اعمار کانال های آبیاری برای زراعت بیشتر و بهتر، در ایجاد کار خانه های تولیدی که در سکتور زراعت و ساختمانی مفید واقع گردد سرمایه گذاری شود.

هنوز بخش بزرگ سمنت مورد نیاز ما از پاکستان وارد می شود در حالی که زمینۀ تولید سمنت در داخل کشور بسهولت موجود است. سنگ مرمر از افغانستان به پاکستان می رود و در آنجا تراش شده به بازار عرضه می گردد. سرمایه گذاری در این راستا باعث افزایش اشتغال برای مردم کم بضاعت کشور می گردد و از سوی دیگر در آبادی و شگوفایی کشور و رشد سریع اقتصادی موثر می باشد.

دوم: نقش سکتور خصوصی در ایجاد زمینه های کار برای نسل جوان امر ضروری بحساب می رود. دولت می تواند با تشویق و ترغیب سکتور خصوصی و روی دست گرفتن یک برنامۀ اقتصادی مشترک با این سکتور زمینه های کاریابی و بلند بردن تولیدات داخلی را افزایش بخشد. سرمایه گذاری در پروژه های صنعتی خُرد و متوسط در اطراف و اکناف کشور باعث تولید بیشتر، چرخش سریعتر ماشین رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال می گردد. اما باید در قدم نخست یک سروی جامع روی دست گرفته شود تا بتوان زمینه های تولید – آنهم تولید کالا ها و اشیای که در بازارهای داخلی و خارجی خریدار داشته باشند – را معین ساخت و سپس در همکاری با متشبثین داخلی و در همآهنگی ارگان های مربوطه زمینۀ تولید اینگونه کالا ها را مهیا ساخت. بطور مثال سکتور زراعتی ما در تولید میوه جات تازه و خشک مزیت نسبی خوبی دارد. دهقانان ما بهر اندازه که انگور، انار، سیب، ناک و ... تولید کنند در کشور همسایۀ پاکستان و حتی دورتر از آن در هند بازار خوبی دارد. پس لازم است راه های سهلتر و پرمنفعت تولید اینگونه میوه جات را به دهقانان نشاندهی کرد و همواره به کمک وزارت تجارت و تجار خُرد و متوسط زمینۀ پاک کاری و بسته بندی معیاری ایجاد گردد تا تولیدات ما در بازارهای بیرونی رونق روز افزون داشته باشد. صنایع دستی کشور ما شهرت جهانی دارد. قالین و گلیم وطن ما در تمام بازارهای جهان دکان های پر رنگ و رونقی را تشکیل می دهند.

احجار کریمه و قیمتی کشور از جمله لاجورد بدخشان زمین زینت دست و گردن زنان در اطراف و اکناف دنیا گردیده است. روزی در شهرکتمندو از دکانداری پرسیدم گردنبند لاجوردی را از کجا وارد کرده است بی درنگ گفت لاجورد از افغانستان است و ساخت آن در هانگ کانگ. چرا لاجورد ما فرسنگ ها راه سفرکند تا به یک گردنبند زیبای زنانه تبدیل شود و به بازار جهانی عرضه گردد. آیا نمیتوان از یک شرکت هانگ کانگی دعوت بعمل آورد تا با شراکت با یک و یا چند شرکت افغانی چنین کاری را در داخل کشور انجام داد تا ما بتوانیم زیورات خوبی ساخت افغانستان به دنیای بیرون عرضه کنیم. اینکار در پهلو شهرت و افتخار آوردن و بلند کردن نام کشور ما می تواند زمینۀ اشتغال را برای هزاران جوان فراهم سازد.

همه ساله صدها هزار جوان در امتحان کانکور ناکام و نامراد می شوند. سرنوشت این جوانان در یک امتحان چند ساعته یکباره به نومیدی می انجامد که افق های بلند امیال و آرمان ایشان را برای آیندۀ آرامتر تیره و تاریک می سازد. دولت می تواند با استفاده از سکتور خصوصی زمینه های آموزش های حرفوی، تخصصی در صنایع دستی، صنایع خفیفه، تجارت و غیره را براین نسل جوان فراهم سازد تا ایشان به یک نیروی کار مولد فعال تبدیل شده اقتصاد عقیم و ناکارۀ ما را انرژی بخشند.

سوم: دولت باید یک ادارۀ همآهنگی کاریابی در چوکات وزارت کار و امور اجتماعی ایجاد کند که اعضای آن را نمایندگان وزارت های کار و امور اجتماعی، زراعت، صنایع خفیفه، تجارت، تحصیلات عالی، پلان، اقتصاد و وزارت خارجه تشکیل دهد. وظیفۀ این ارگان ایجاد پالیس ها و استراتژی اشتغال افزا و همآهنگ کردن برنامه ها و سیاست های کاری وزارت های مربوط در این راستا باشد. این کار باعث می شود تا با یک استراتژی معین و همآهنگ شده برای جوانان زمینه های تعلیم کسب های حرفوی و اشتغال را خلق کرد و از سوی دیگر جوانان را بر اساس توانمندی فردی، قدرت کار، تخصص و شایستگی به کارهای تولیدی استخدام نمود.

چهارم: صدور نیروی کار به کشورهای منطقه می تواند از یکطرف در کاهش مشکل بیکاری مفید واقع گردد و از سوی دیگر زمینۀ درآمد خوبی را به فامیل ها و حتی دولت فراهم سازد. کشورهای پاکستان، بنگله دیش، نیپال، اندونیزی، فلیپین، مصر، لبنان سالانه میلیون ها نفر را بمنظور کار کردن به کشورهای خلیج و بعضی از کشورهای متقدم در آسیا می فرستند. دولت افغانستان می تواند با استفاده از روند دپلوماسی فعال با جمعی از کشورهای دوست قرارداد های را عقد نماید که به اساس آن سالانه صدها هزار نیروی کار را به کشورهای بیرونی بفرستد.

ما به یک استراتژی موثر و درازمدت در این راستا نیاز داریم تا بتوانیم در آینده به عوض صدور تنها مزدور کار نیروی کاری متخصص و پر درآمد را نیز به بیرون عرضه کنیم. بطور مثال کشور لبنان که اندکی بیشتر از چهار میلیون نفوس دارد سالانه ۷،۶ میلیارد دالر امریکایی از طریق کارمندان این کشور در خارج عاید دارد و کشور مصر که در حدود نود میلیون نفوس دارد و تعداد کارمندانش در کشورهای خارجی بمراتب بیشتر از نفوس مجموعی لبنان می باشد عاید سالانه اش ازین ناحیه بمراتب کمتر از عاید لبنان می باشد. علت در این است که لبنان با داشتن دانشگاه های تعلیمی با مستوی عالی و تربیۀ نیروی بشری متخصص افرادی را به خارج عرضه می کند که هرکدام در مقام های اداری و رهبری ادارات تولیدی قرار دارند و معاش بلند اخذ می کنند. با آنکه می دانم رسیدن به این هدف برای کشور جنگ زدۀ ما در شرایط کنونی خواب و خیالی بیش نخواهد بود اما باید خاطر نشان ساخت که همین خواب و خیال است که بما الهام می بخشد تا در نیل به جایگاه مطلوب و برای بدست آوردن مقصد تلاش پیگیر نماییم.

پنجم: رسیدگی معقول به مشکل تولید و قاچاق مواد مخدر می تواند در افزایش اشتغال، بلند بردن درآمد دهقانان، رشد اقتصادی و بلاخره ثبات و آرامی موثر واقع گردد. تولید و قاچاق مواد مخدر اقتصاد کشور ما را به یک اقتصاد جنایی (غیر قانونی) و اقتصاد مافیایی تبدیل کرده است که هم در پروسۀ تکامل سیاسی و هم در روند توسعۀ پایدار نقش منفی را ایفاء می کند. از دهه های متمادی به اینطرف صدها میلیون دالر توسط جامعۀ جهانی برای مبارزه با تولید و قاچاق تریاک در کشور بمصرف رسیده است که نتیجه ای جز تولید بیشتر و قاچاق بیشتر این مواد کشنده نداشته است. بهترین راه خروج از این مشکل قانونی ساختن تولید تریاک در کشور می باشد.

امروز ادویۀ ضد درد در دنیا به قیمت گران بفروش می رسد و سالانه ده ها هزار انسان – بویژه در کشورهای فقیر – در اثر عدم توانایی خرید ادویۀ جان های شان را از دست می دهند. تریاک بهترین دوای ضد درد را تولید می کند. دولت افغانستان می تواند با ارایۀ استدلال قوی و با گشودن باب مذاکره با جامعۀ جهانی و شرکت های تولید کنندۀ دوا زمینۀ فروش تریاک تولید شده در افغانستان را از راه های قانونی دریابد. با اعطای رخصت نامه به چند شرکت داخلی و خارجی دولت می تواند تریاک تولید شده را از دهقانان خریداری کرده به کار خانه های تولید کنندۀ دوا در خارج کشور صادر نماید. در پهلوی اعطای رخصت و یا اجازه نامه به شرکت های معین دولت می تواند ارگان های امنیتی کشور را موظف سازد تا با قاچاق گران تریاک برخورد جدی بعمل آورد. در این صورت دهقان بعوض فروختن تریاک به قاچاقبر و قبول پیگرد سخت قانونی تریاک تولید شده را به شرکت معین بفروش می رساند و پول مطلوب اش را از راه قانونی بدست می آورد.

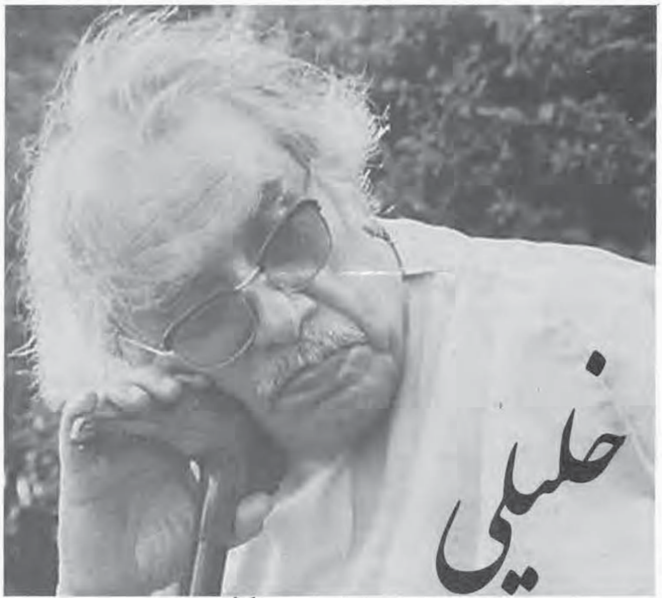
با اینکار نه تنها به مشکل قاچاق مواد مخدر رسیدگی لازم صورت می گیرد بلکه زمینۀ کار و درآمد قانونی و پرعاید برای دهقانان کشور ایجاد می گردد، عایدات دولت از طریق اخذ مالیه هم از دهقان و هم از شرکت های مربوطه بلند می رود، و هم از خطر مافیایی شدن روند اقتصادی کشور جلوگیری بعمل می آید.

شاید نمایندگان جامعۀ جهانی بویژه نمایندگان امریکا و انگلیس استدلال کنند که شفافیت پروسۀ قانونی در افغانستانی که در راس کشورهای فاسد دنیا قرار دارد غیر ممکن باشد و یا بگویند شرکت های تولید ادویه توانمندی استفاده از مقادر هنگفت تریاک افغانستان را نداشته باشند چه این کار باعث کاهش زیاد قیمت دوا در بازاد گردیده مشکل تقاضا و عرضه دوای ضد درد را بیشتر می سازد. باید خاطر نشان ساخت که تفتیش و نظارت از کار چند شرکت محدود بمراتب سهل تر، کم مصرف تر و موثر تر از برنامه های مبارزه با مواد مخدر می باشد که تاکنون مورد تجربه قرار گرفته و فایده ای نداشته است. از سوی دیگر کشورهای مرفۀ دنیا می توانند بخشی از سرمایه ای که برای تمویل کمک های انسان دوستانۀ شان اختصاص یافته است را در همآهنگی با شرکت های معین در خرید دوای تولید شده به قیمت بازار بخرج رسانده و به کشورهای عقب مانده هدیه کنند تا از یکطرف تعادل در قیمت دوا در بازار جهانی رعایت شود و از سوی دیگر مردم تهیدست و کم بضاعت دنیای سوم به سهولت بیشتر به این دوای ضروری دست رسی یابند.

در اینصورت ما هم یک مشکل بزرگ جهانی را کمتر ساخته ایم و هم به میلیون ها انسان کم بضاعت دنیا زمینۀ دست رسی به دوای ضد درد را مهیا ساخته و به سلامتی آنها کمک رسانده ایم. این اقدام بکر و تازه همچنان قیمت مواد مخدر رادر بازار جهانی بمراتب بلند می برد و تعداد زیادی از جوانان کشور های مرفه توان خرید آنرا از دست خواهند داد که در نهایت باعث سلامتی ایشان می گردد. دولت آیندۀ افغانستان باید با این مشکل با جدیت برخورد کند.

ششم: جوانان در حل مشکل بیکاری نقش کلیدی دارند و دولت راه های شریک ساختن جوانان در این مشکل را از هم اکنون تلاش کند. جوانان ما باید درک کنند که سالانه صدها هزار جوان با تخصص های مختلف از دانشگاه های کشور فارغ شده به بازار کار عرضه می شوند. برای دولت امکان آن وجود ندارد که بتواند اینهمه نسل جدید کار طلب را در ادارات و موسسات دولتی استخدام کند. روزی فرا می رسد که دیگر برای معلم کمبود وجود ندارد؛ دیگر برای محاسب کاری در دولت یافت نمی شود؛ دیگر برای قاضی کرسی قضاوت خالی نیست و ... دولت نمی تواند تنها برای خلق کردن کار مزدبگیر پُست های زیادی در ادارات ایجاد کند.

پس راه حل چیست؟ جوانان ما باید به حرفه های که آموخته اند و استعداد سرشار و موهبت های الهی که دارند توجه مبذول دارند، افق های دید شان را وسعت بخشند و تنها در انتظار یافتن کار دولتی از صبح تا شام از یک اداره به ادارۀ دیگر رفته و زمینۀ نومیدی خود را فراهم نسازند. این جوانان باید به سکتور خصوصی توجه کنند، به کارخانه های تولیدی رجوع کنند، در صورت امکان به تشبثات شخصی و کارهای فردی همت گمارند تا با اشتغال در کارهای پرتولید و منفعت افزا برای خود و دیگران زمینه های کار و درآمد سالم را مهیا سازند.



خلیلی سرایشگر اندوه آزادی

به بهانهٔ ۲۷مین سالگرد وفات استاد سخن شادروان خلیل الله خلیلی

■ دکتر شمس الحق آریانفر

ادامه از شمارهٔ قبلی

ولـی خلیلـی هـم چنـان بـاغرور ایسـتاده اسـت. ازینروسـت کـه درحـین آوارگـی هـا وتبعیـد درسـال ۱۳۲۵ وقتی کـه گویـا مدیرقندسازی قنـدهار اسـت. ازرفتار مغرورانه رئیس بفریـاد مـی آیـد ونمـی توانـد تحمـل کنـد و نـاگزیر آلامـش را بیـرون مـی ریـزد باذکری ازشکوه ومقام اصیل خویش :

ازدردوالم بسوخت جان
ای چرخ بس است امتحانم
من شمع معارفم تومفروز
بیهوده به بزم این وآنم
من گوهر فطرتم تو مفروش
دردست خسان برایگانم
آنکس که به عجز بوسه می داد
دیروز بخاک آستانم
امروز به طعنه باز خندد
برگریهٔ زار کودکانم
ای پنجهٔ غیب همتی کن
وزحدقه برآر روشنانم

خلیلـی لحظـهٔ شـاد درزنـدگی نـدارد، هرکـه هرچـه مـی اندیشـد، ولـی اوخـود روزگـارش را تشـریح مـی کند ومی گوید:

انیسم آه ویارم دردو شامم اشک وصبحم خون
بخوان زندگی تعظیم مهمان اینچنین باید

و درآخـر همـه دردهـایش را درغزلـی چنـین بیـرون می ریزد.

به داغ نامرادی سوختم ای اشک طوفانی
به تنگ آمددلم زین زنده گی ای مرگ جولانی
ازین آزادگی بهتر بود صد ره بچشم من
صدای شیون زنجیر وقید کنج زندانی
به هروضعی که گردون گشت کام من نشد حاصل
مگراین شام غم را مرگ ساز صبح رخشانی
زیک جومنت این ناکسان بردن بودبهتر
که بشکافم به مشکل صخره سنگی را به مژگانی
گناهم چیست گردونم چرا آزرده می دارد
ازین کاسه گدا دگرچه جستم جزلب نانی

گمان نبریم کـه خلیلـی در دربـار شـاد زیسـته اسـت، چه او چنـان بـا انـدوه عجـین شـده بـود کـه هرگـز نمـی توانسـت از تـرحم دلشـاد باشـد، بلکـه ازآن افروختـه ترمیگردیـد وهیچگـاه نمـی خواسـت درچنـان حـالتی باشـد. ازینـرو زیسـت آگاهانـه ازآغازتافرجام به غم واندوه گـره خـورده بـود. آنگونـه که خود میگوید:

زبس بگذشت عمرم درجهان تلخ
مراگردیده مغز استخوان تلخ
اگرموری خوردخاک وگل من
بودتامحشرش کام دهان تلخ

نفرت ازوضع نابسامان اجتماعی:

درد وانـده خلیلـی، تنهـا ناشـی ازشـرایط شخصـی وخـانوادگی اونیسـت خلیلـی بیشـتر ازهمـه نـابرابری های اجتماعی رامی نگرد، وازآن دررنج است.

تب ظلم وتب جهل وتب فقر وتب یأس
جزسراسیمگی ازمردم تبدار مخواه

مـی نگـریم کـه مایـهٔ سراسـیمگی و دربـدری را در ظلـم و جهـل و فقـر حـاکم در جامعـه مـی دانـد ظلمـت و تـاریکی را بـه گونـهٔ مـی یابـد کـه دیگـر امیدی ندارد.

شب عمر درین غربت سرا بادرد وغم بگذشت
ندارم بعدازین چشم امید از روزن فردا

بی توجهی به حال ووضع مـردم بـه گونـهٔ اسـت کـه به نالهٔ مردم اثری گذاشته نمی شود:

زدور نیزنکردن گوش نالهٔ ما
به محفلی که اجابت زبام ودرمی ریخت

خلیـلی منشـأ نابسـامانی رانیـز میدانـدومعرفی مـی کند:

خم بودوباده بود وقدح بود وبزم شب
اما دریغ ساقی مامهربان نبود

بعدسـاقی وفرمانـدار وحکـام رانیـز بـه نفـرین مـی کشد ومیگوید:

تاکی کشم سرکشتگی زین واژگون کردارها
زین مهره ها بوالعجب زین ثابت وسیارها

ای خوشا بی سری وسرکشی وسربازی
جزسـر افگنـدگی ازخـدمت سـرکارمخواه

ازآمـدن مـردان راه مـأیوس اسـت ودرآن دوره هـای خاموشـی وظلمـانی امیـدی بـه دیگـر گـونی نمی بیند و چنین می گوید:

شهسواری کوکه درمیدان سرافرازی کند
شیرمردان رازغم سردرگریبان مرده است

اماهیچگـاه خودراتسـلیم نمـی کنـد وذلـت رانمـی پذیرد وبـاوجود همـه آلام وفتنـه هـا بـازهم مصـاف داراست ومیگوید:

من بیک زخم تو ای چرخ نیفتم ازپای
گربودعمرببینیم به پیکار دگر

راه نجات :

اسـتادخلیلی راه نجـات رادرایمـان وآزادگـی جسـتجو مـی کنـد وهمـه عـزت ووقـار رادرآن متجلی میداند:

کارمومن زین دومی یابد نظام
زین دوگوهر یافت آن والامقام
اول ایمان گوهر بنیاد یش
آن دگر تاج سرآزادیش
باخدا ازقلب ایمان داشتن
خصلت آزاد مردان داشتن

چنـین اسـت کـه ارزشـهای وطـن وآزادی، ومبـارزه ورهـایی راعنـوان مـی کنـد وهمـه را آن فرامـی خواند.

وطن:

داندخداکه بعد خدا می پرستمت
هان ای وطن مپرس چرامی پرستمت
ذرات هستیم زتو بگرفته است جان
چون برتری زجان همه جامی پرستمت

یا:

من بی وطن که دور زآغوش مادرم
بنشسته ام برآتش و درخون شناورم
برگم که تندباد فگنده بهردرم
گردم که حادثات نشانده بهردرم
خاکی که پروریده مرا دوستان کجاست
من خاک دیگران چکنم خاک برسرم

ازمیهن اشـغال شـده اش مـی گویـد وفریـادا مظلومانـهٔ ملتـی کـه دروطـنش بـه نالـه وانـدوه محکـوم شـده است:

این خاک تربخون شده ماتم سرای کیست
وین مرغ پرشکسته دل بینوای کیست
فریاد خلق تابفلک رفت روز وشب
یکبارکس نگفت که آنجاسرای کیست
گلگون شرابهاکه کشی سربه بزم غیر
هان ای وطن فروش بگوخونبهای کیست.

بخـاطر وطـنش نتنهـا رزم وسـخن دارد کـه خورشـید آسـمان رانیـز مخاطـب سـاخته اسـت وبـرای دردهـای میهـنش بااومنـاظره دارد کـه چرانسـبت بـه مـیهن اوکم توجه است وگویی باخدا گلایه دارد:

درشهرهای ماهمه خون آوری واشک
این جاهزار گونه زروگوهرآفتاب
ماتمسراست دشت ودروکوهسار ما
هرگز متاب آن طرف خیبرآفتاب
اینجانشاط بینی وشادی وخرمی
آنجا فغان وناله وچشم تر آفتاب

آزادی:

ارزش دیگری که درکنـار وطـن خلیلـی مطـرح میکنـد، آزادیسـت. تاآنجاکـه سراسـردیوانش بیانامـهٔ آزادیسـت. همچنـان کـه آزادی وآزادگـی را مـی سـتاید، بردگـی وذلـت را نکـوهش میکنـد ومـردم را ازآن برحـذرمی دارد:

گردن آزادگان راتیغ بهترجای طوق
مرد حق راسرفرازی باشد از داروتناب

یا :

دین وآزادیست درذرات خون مانهان
ماواین پیمان تاجان شودازتن برون
گرغلامی طوق الماس است بندبندگیست
بشکنش درزیر پاچون کردی ازگردن برون
زنده بادآن کوهسار سربلند چرخ سای
کاید ازدامان آن مردان شیرافگن برون

یا:

خم شدن درپای دونان شیوهٔ احرار نیست
چندپائین آمدن ازشوق بالازیستن

ودرسـخن دیگـر ماهیـت بیگانـه پـروری را بگونـهٔ شفاف وروشن بیـان میکنـد وباهشـداربه چنـین افـراد ارجمندی آزادی وشهادت را به ستایش می گیرد.

بر یخنت ستاره اش، لکهٔ عار و خجلت است
لکهٔ عار رادریغ گرتو ستاره بشمری
برسرتو کلاه غیر، معنی سرنهادن است
سرچه نهی بپای وی توکه سری و سروری
سنگر دوست روبرو، سنگرد دشمن ازقضا
ازدل خود سوال کن اهل کدام سنگری
گردن تووطوق غیر؟ خاک تووسپاه کفر
ای سرمن فدای تو، خودبنمای داوری
چکرهٔ اشک آن یتیم، قطرهٔ خون آن شهید
نزدخدای می کند بادوجهان برابری

مبارزه و نجات:

اسـتاد خلیلـی همچنانکـه ستایشـگر هـوس هـای گذرانیسـت، وازارزش هـای مانـدگار، عـدالت اجتماعی وآزادی ووطن مـی گویـد، تنهـا بـه موعظـه اکتفـا نمـی کنـد ازعمـل وازایثـار سـخن مـی رانـد وازمبـارزه وتـلاش درراسـتای تحقـق ایـن آمـال. تاآنجـا کـه ازدوری خـویش ازسـنگر آزادی احسـاس خجلت میکند.

خجالتی که مراآب می کند اینست
که سیل پیری درپیکرم زیان آورد.
زدورگرم شوم درشرارهٔ دیگران
مذلتی است که شرم است دربیان آورد
گذشت عمرشده مانعم که میگویند
درخت خشک نباید ببوستان آورد

اگرخـود تـوان حضـوردرمعرکه رانـدارد، مبـارزان وبرهنـه پایـان رابـه سـتایش مـی گیـرد وباشـکوه از آنها سخن می گوید:

فرخنده سنگری که بخون سرخ گشته است
غیرازتوای مبارز رزمنده جای کیست

یا:

دل شب شعلهٔ آتش فتد درسنگر دشمن
بجزچشم مجاهد آتش خشم نگاه کیست
برهنه پای تاریخ آفرین داستان انگیز
وطن غیرازسپاه تو بگودیگرسپاه کیست

یا:

هنگام مصاف است ولی هم نفسی نیست
فریاد که درمعرکه فریاد رسی نیست
دزدآمده درخانه وبیم عسسی نیست
جزبرهنه پایان تودرجنگ کسی نیست
بس گشته بخون خفته وکس نیست مددگار

و از زبان زنان این خطـه، مبـارزه را بـه سـتایش مـی گیرد و می سراید:

فدای گرمی خویت شوم من
شهید تیغ ابرویت شوم من
چو گرد آلود از میدان بیایی
هلاک دست وبازویت شوم من

یا:

شنو ز سنگر آزادگان که می آید
صدای نالهٔ دشمن گداز مادر پیر
که بادبوسهٔ گرمم حرامت ای فرزند
اگر به خون نکنی لاله گون لب شمشیر

با درنظرداشت آنچـه گفتـه آمـدیم خلیلـی شخصـیت وشاعریسـت اسـتثنایی درجامعـه وادب مـا. مصـایب استثنایی رامتحمل شد، بـه گونـهٔ اسـتثنایی مقاومـت کـرد وتسـلیم نگردیـد.حتی زمـانی کـه دربارفراخوانـدش حرفـی بـه گزافـه نگفـت ودردخـویش را همچنـان باسـروده هـایش بیـرون ریخت. بـه گونـهٔ یـک اسـتثنا ازغـرب واروپـا بسـوی میهن ومقاومت آمـد، درحـالی کـه دیگـر روشـنفکران راهـی آندیاربودنـد. واسـتثنای دیگـر اینکـه درپیـری خـرف نشـد ودرمیـدان آمـد، تـا رمقـی داشـت وطـن گفـت و آزادی گفـت و جـان داد کـه نظیـرش را درتـاریخ بـا همـه ایـن ویژگـی هـا، سـراغ نـداریم. روانش شاد باد.

پایان

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○ فیض

۲۰ثور:

• به گزارش رسانه ها، عملیات نیرو های امنیتی افغان علیه طالبان مسلح در ولسوالی گیلان ولایت غزنی که وارد دومین هفته شد. مقامات افغان گفته اند، در این عملیات تا حالا بیش از ۱۷۰ تن از افراد گروه طالبان کشته و ۱۳۴ تن دیگر شان زخمی شده اند. گفته می شود به نیرو های افغان تا حال آسیبی نرسیده است.

۲۱ثور:

• نه تن از کارمندان معدن سنگ مرمر ولسوالی چشت شریف ولایت هرات از سوی افراد مسلح ناشناس ربوده شده اند. به نقل از رسانه ها، قوماندان امنیهٔ این ولسوالی گفته است که در میان افراد ربوده شده گان، یک انجنیر و هشت کارمند معدن سنگ مرمر شامل اند.

• در خبرنامهٔ وزارت امور داخله آمده است، در اثر عملیات های مشترک تصفیه ای نیروهای امنیتی کشور در ۲۴ ساعت گذشته ۳۴، شورشی طالب کشته شدند. این عملیات ها که در مربوطات ولایت های غزنی، پکتیکا، ننگرهار، کندز، کندهار، زابل، ارزگان، کاپیسا، میدان وردک و بادغیس به همکاری نیروهای اردوی ملی و امنیت ملی راه اندازی گردیده بود، ۲۲ شورشی زخمی و ۷ شورشی دیگر از سوی نیروهای امنیتی کشور بازداشت شدند.

• مقامات امنیتی ولایت کنر گفته اند، در جریان ۲۴ ساعت گذشته ۳۶ راکت از خاک پاکستان بر ولسوالی های دانگام و شیگل این ولایت پرتاپ شده است. قوماندان امنیهٔ کنر به رسانه ها گفت است، این راکت ها تلفات جانی نداشته اما منجر به تخریب زمین های زراعتی گردیده اند. به گفتهٔ وی، پرتاب راکت از خاک پاکستان بر ولسوالی های سرحدی این ولایت از ۴ سال به این سو جریان دارد که منجر به کشته شدن ده ها تن و بی جا شدن صدها تن دیگر گردیده است.

• مسوولین امنیتی به رسانه ها گفته اند که بر اثر انفجارها، ۳ تن در ولایت لوگر کشته و ۳ تن دیگر در ولایت زابل زخمی شدند. بر اثر انفجاری در لوگر سه غیرنظامی جان باختند. این حادثه در حومهٔ ولسوالی" پل علم "مرکز لوگر زمانی روی داد که بمب جاسازی شده در کنار جاده در مسیرعبور موتر حامل غیرنظامیان منفجر شد. در این انفجار دو غیرنظامی دیگر زخمی شدند. در همین حال؛ انفجار در ولایت هلمند نیز باعث زخمی شدن سه غیرنظامی شد. مقامات محلی هلمند گفته اند که این حادثه در ولسوالی " مارجه" هلمند زمانی بوقوع پیوست که یک دستگاه موترسیکل بمب گذاری شده منفجر شد.

• به گزارش رسانه ها، مقام های ولایت قندهار گفته‌اند که انفجار انتحاری در برابر یک درمانگاه، شش تن را کشته و ۳۸ نفر دیگر را زخمی کرده است. والی قندهار گفته است که همه افراد کشته و زخمی شده در این انفجار غیرنظامی هستند که به درمانگاه ولسوالی دامان واقع در مسیر شاهراه قندهار-اسپین بولدک آمده بودند. کشته شدگان شامل یک زن، دو کودک و سه مرد است. مقام های ادارهٔ صحت قندهار گفته‌اند که شماری از زخمیان زن و کودک هستند. دو کارمند این درمانگاه هم زخمی شده‌اند.

۲۲ثور:

• در اعلامیهٔ قوماندانی امنیهٔ کابل آمده است، محوطهٔ بیرونی میدان هوایی بین المللی کابل هدف پرتاب دو موشک قرارگرفت. حوالی ساعت ۵ صبح دو فیر راکت از استقامت نامعلوم بالای میدان هوایی کابل پرتاب گردید که هر دو فیر راکت در محوطهٔ این میدان اصابت کرده است. گفته شده که این رویداد تلفات و خسارات در قبال نداشته است.

• به گفتهٔ مقامات امنیتی به رسانه ها، یک گروه سه نفری انتحار کننده که مجهز با سلاح کلاشینکوف بودند ساعت ۹:۲۰ صبح بر ساختمان ریاست عدلیه در منطقهٔ انگور باغ مربوط ناحیهٔ چهارم شهر جلال آباد مرکز ولایت ننگرهار حمله نمودند که پس از درگیری دو ساعته از سوی نیروهای پولیس به هلاکت رسیدند. در این رویداد تروریستی دو پولیس و ۵ فرد ملکی کشته و ۷ فرد ملکی دیگر زخمی شدند.

۲۳ثور:

• به گزارش رسانه ها، عابد مشهور به ملا رحمانی عضو شورای کویته که مسوول طراحی و سازمانده حملات انتحاری گروه طالبان درشهر های کابل و قندهار بود دریک عملیات ویژه نیروهای امنیتی افغان در ولایت زابل کشته شد. ملا عابد از باشندگان اصلی ولایت قندهار بودکه در سالهای اخیر در شهر کویته زندگی می کرد.

• یک قوماندان وابسته به گروه طاهر یولداش گروه مخالف مسلح دولت ازبیکستان با چهار طالب مسلح دیگر ولایت فاریاب به قتل رسیدند. مسوول مطبوعات قوماندانی امنیه ولایت فاریاب به رسانه ها گفته است، قاری زمان صبح امروز در پی عملیات ویژهٔ نیروهای امنیتی با سه تن از افرادش در منطقهٔ قوش مصطفی قل ولسوالی اندخوی کشته شدند.

• به قول خبرنامهٔ دفتر مطبوعاتی ریاست عمومی امنیت ملی به رسانه ها، دو خانوادهٔ با شهامت و متدین ما در ولایت پکتیکا بعد از آگاه شدن در مورد فرزندان شان که در آن سوی خط دیورند در مراکز تروریستی میرامشاه تعلیمات انتحاری را فراگرفته و به منظور انجام حملات انتحاری دوباره به ولایت پکتیکا فرستاده شده بودند، به موظفان ریاست امنیت ملی ولایت پکتیکا تسلیم نمودند. روحانی مشهور به منگولی و فیصل باشنده گان قریهٔ ملکان شهر شرن مرکز ولایت پکتیکا اعتراف و یاد آور گردیده اند که توسط یک تن از قوماندانان گروه طالبان به نام اعظم به آن گروه جذب و بعداً به منظور فراگیری تعلیمات انتحاری و تروریستی به میرامشاه پاکستان اعزام و در پانزده روز توسط مربیون پاکستانی تعلیمات انتحاری و تروریستی را فراگرفته و بعداً به خاطر انجام حملات انتحاری به ولایت پکتیکا فرستاده شدند. قابل یاد آوریست موقعی که نامبرده گان جهت بازدید از خانواده های شان به منازل خویش بازگشت نموده بودند از سوی والدین شان به موظفان ریاست امنیت ملی پکتیکا تسلیم داده شدند.

۲۴ثور:

• شام دیروز انفجاری در شهر قلات مرکز ولایت زابل رخ داد که در نتیجهٔ آن به شمول پولیس ۱۴ تن زخمی شدند. معاون والی زابل در صحبتی به رسانه ها گفته است، "یک موتر سیکل بمب گذاری شده در نزدیکی قوماندانی امنیه سابق با ریموت کنترول از راه دور انفجار داده شد که در نتیجه آن ۶ پولیس و ۸ غیر نظامی زخمی شدند".

• در اعلامیهٔ قوماندانی امنیهٔ کابل آمده است، صبح امروز ماین مقناطیسی که در یک واسطهٔ رنجر اردوی ملی جاگذاری شده بود در ساحهٔ مارکیت کارتهٔ نو مربوطات حوزهٔ هشتم امنیتی پولیس در شهر کابل منفجر گردید که در نتیجه رانندهٔ واسطهٔ مذکور کشته و ۲ فرد ملکی مشمول یک خانم مجروح شدند.

۲۵ثور:

• در یک حملهٔ طالبان شب گذشته بر پوسته پولیس سرحدی در ولسوالی سپین بولدک ولایت کندهار سه پولیس کشته و چند نفر دیگر زخمی شده اند. به گزارش رسانه ها، ۵ حمله کنندهٔ افراطی که واسکت های انتحاری را به تن داشتند بر پوستهٔ سرحدی در سپین بولدک حمله کردند. به گفتهٔ یک مقام محلی تمام پنج حمله کننده کشته شدند و سه پولیس افغان هم جان دادند. در این حادثه پنج پولیس دیگر زخمی شدند.

مردم افغانستان کار ما و شما به پایان نرسیده است...

دور دوم تا دو هفتهٔ دیگر برگزار گردد. اما کمیسیون مستقل انتخابات در روز اعلام نتایج نهایی، تأکید کرد که انتخابات دور دوم در ۲۴ جوزا برگزار می گردد. چیزی که نقض قانون اساسی را با خود دارد .

اما نهادهای برگزار کنندهٔ انتخابات می گویند: بدلیل حملات راکتی تروریستان بالای مواد انتخاباتی در کابل، زمان گیر بودن زمان انتقال مواد انتخاباتی به ولسوالی‌ها و آموزش کارمندان جدید محلی درکمیسیون، انتخابات دور دوم با تأخیر دو هفته در ۲۴ جوزا برگزار خواهد شد. قرار است دور دوم مبارزات انتخاباتی میان دو تن از نامزدان پیشتاز براساس تقویم جدید انتخاباتی، از اول جوزا آغاز و به تاریخ ۲۱ جوزا خاتمه می‌یابد. جدول زمان بندی انتخابات نشان می دهد که نتایج ابتدایی دور دوم انتخابات در یازدهم سرطان اعلان می شود و به تاریخ ۳۱ سرطان نتایج نهایی انتخابات دور دوم اعلام خواهد شد.

نتایج انتخابات از سوی نامزدان پیشتاز پذیرفته شد، اما تأکید نیز براین است که آرای پاک از آرای ناپاک جدا نشده و هر دو کمیسیون نتوانستند در وظایف خوب بهتر عمل کنند.

پس از اعلام نتایج انتخابات، دکتر عبدالله عبدالله نامزد پیشتار که در دور اول ۴۵ درصد آرا را کسب کرده است، نتایج انتخابات را پذیرفت. وی در کنفرانس مطبوعاتی اشتراک کرد و ضمن اتحادف دعا به روح شهدا به ویژه شهدای ارتش ملی، پولیس ملی، امینت ملی و شهدای حوادث طبیعی، از قهرمانی هایی مردم هم در حماسه ۱۶ حمل و هم در جهت مدد رسانی به آسیب دیدگان تشکر و قدردانی نمود.

وی تأکید کرد که انتخابات دور اول روحیهٔ همدیگر پذیری را در میان مردم تقویت کرد. وی یک بار دیگر تأکید کرد که ما در برابر مردم تعهد صادقانه داریم و با باورمندی کامل این راه را ادامه خواهیم داد.

وی خطاب به مردم گفت: مردم افغانستان کار ما و شما به پایان نرسیده است. این راه را با هم آغاز کردیم و با هم به پایان می رسانیم. دکتر عبدالله عبدالله کارکمیسیون ها را در تمام مراحل انتخابات پر از چالش و مشکلات دانست و افزود که تا هنوز به برخی از اعتراض هایی قانونی ما پاسخ روشن نگفته اند.

آقای عبدالله عبدالله تصریح کردکه، سنگ بنای ثبات در کشور پروسهٔ سیاسی است، از دست اندرکاران تقاضاکرد که به پروسهٔ سیاسی آرای مردم با شفافیت برخورد کنند. آقای عبدالله به مردم وعده داد که برمبنای عدالت اجتماعی، حکومت وحدت ملی می خواهیم.

نامزد پیش تاز دور دوم انتخابات افزودکه، با اعلان نتایج فرصت خوب برای همگرایی ملی، منطقه ای و بین المللی پیدا شده است.

دکتر عبدالله که از سیمایش خُرسندی هویدا بود گفت، نمبر اول نمبر اول باقی می ماند. وی افزود که در اوراق رأیدهی که برای دور دوم طبع شده است بازهم شماره یک (۱) است. و ابراز امیدواری کرد که در دور نیز مردم با حضور شان پای صندوق های رأیدهی، اشتراک میلیونی می داشته باشند.

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ هفتم ۲۷ ثور ۱۳۹۳ ۱۷ رجب المرجب ۱۴۳۵ 17 May ۲۰۱۴

د الاخوان المسلمون گوند ممنوع اعلانول او ټاکنې ترسره کول کومه دموکراسي ده؟

■ شفیق

په مصر کې وروسته لدې چې عبدالفتاح السیسي د یوې نړیوالي توطیې د لوبغاړي په توګه، د دکتور محمد مرسي حکومت ړنګ کړ نو سملاسي یې ددغه ګوند د غړو او مشرانو په نیولو پیل وکړ؛ چې په لومړي سر کې یې ددغه ستر اسلامپال ګوند ستر لاربنود او نور په لسګونو مشران پدې تور بندیان کړل چې ګویا دوی د مرسي له واک څخه لیرې کولو پر خلاف ترسره شوو مظاهرو کې د هغو پولیسو د وژل کیدو مجرمین دي چې د مظاهرو په ترڅ کې د اخ و ډب په نتیجه کې وژل شوي دي؛ پداسې حال کې چې اخوانیانو د خپلې مشروع واکمنۍ د ساتلو لپاره لاریونونه ویستي وو او عبدالفتاح السیسي د مشروع حق استعمالو مخنیوی کاوه؛ ځکه سیاسي ګوندونه حق لري چې د حکومت د کړنو پر خلاف خپله ناخوښي د لاریونونو له لیارې څرګنده کړی او بیا پداسې حال کې چې یو مشروع حکومت او د ولسواکۍ له لیارې راغلی رژیم د کودتا او د غلا دروازې له لیارې ړنګ کړای شي. لکه چې عبدالفتاح السیسي دغه کار په مصر کې ترسره کړی وو.

خو د هغه چا خبره چې: ‹بګیرش که نګیرت› د السیسي ملګرو همدغه لوبه ترسره کړه؛ ددې پرځای چې نړیواله ټولنه ورڅخه د یو مشروع او ولسواکۍ له لیارې راغلی رژیم، د کودتا له لیارې د پرځولو پوښتنه وکړي او مصري پوځ او السیسي د خپل ناقانونه اقدام په اړه ځواب ووایي، لا یې په اخوانیانو بل ظلم هم پیل کړ؛ چې د رژیم له ړنګولو وروسته یې ددغه ګوند لخوا یو د بل پسې ترسره کیدونکي لاریونونه وځپل او دغه ګوند یې لا قانونه اعلان کړ، چې یوازې د «رابعة العدویة» په میدان کې ترسره شوي لاریون پر مهال یې له دوه نیم زرو څخه زیات لاریون کوونکي مصریان په بېرحمانه توګه شهیدان کړل او بیا یې په زرګونو نور د زندان تورو دروازو ته وغورځول او چې پدې سره یې هم د خپل ناقانونه عمل پر خلاف د ولس کرکه کنترول نکړای شوه نو د اعدام په حکم د محکومولو لړۍ یې پیل کړه؛ چې په لومړي ځل یې د اوه لس کسانو پیاوړو مشرانو پر خلاف دعواګانې دایر کړې او بیا یې په یو ځل په پنځه سوه او نهه ویشت کسانو باندې د یوې علني او ریښتوني محاکمې پرته د اعدام حکم صادر کړ، چې دغه کار یې خو ځلې ترسره کړ خو مصر کې د اخواني قیادتونو په نه شتون کې السیسي ټاکنې اعلان کړې او د مقابل او حریف پرته په میدان کې ځان پهلوان وګرځوي؛ ځکه السیسي او دهغه مستبد او امریکا تالي څټي ملګري پدې پوهیږي چې الاخوان المسلمون د مصري خاوري اکثریتي ګوند دی او که داسې ونکړي نو د فعال اخوان المسلمون په شتون کې بیا ټاکنې دده په ګټه نه تماميږي.

نو اوس پوښتنه داده چې کله د الاخوان المسلمون په زرګونو مشران او فعالان په زندانونو کې پراته وي او د دیکتاتور او غلا له لیارې راغلی حکومت له خوا هر هغه څوک په مرګ او اعدام ګواښل کیږي چې ځان د الاخوان المسلمون ملاتړی ښایي نو څنګه به ټاکنې ریښتوني او د سیالۍ په فضا کې په بې پرېتوب سره ترسره شي؟

آیا داسې هم کله شوي چې دوه پهلوانان د پهلوانۍ په ډګر کې خپل مخالف لورې یو ځل له لاس او پښو وتړي او بیا ورته وایي راځه چې غېږ ونیسو!!

په مصر کې د السیسي اعلان کړې ټاکنې هم، همداسې دي؛ ځکه په ټول مصر کې ددغه ګوند قیادتونه بندیان کړای شویدي او په غیاب کې یې ټاکنې ترسره کیږي او پدې ترتیب به بیا السیسي ځان د مصریانو ټاکل شوې ولسمشر ګڼي!! پداسې حال کې چې د مصر له ټولو ستر ګوند او له اکثریت څخه برخمن سیاسي ځواک الاخوان المسلمون دی. نو له السیسي څخه پوښتنه داده چې په ټاکنو کې مقابله له چا سره کوي؟!! اخواني قیادتونه خو یې په زندانونو کې غورځولي دي او د دیکتاتور نظام پر خلاف هره خبره ممنوع ګرځول شویده، نو پداسې شرایطو کې ټاکنې ترسره کول څه معنا لري؟ ځکه خو د نړۍ د ستر عالم دکتور یوسف قرضاوي اخوانیانو ته توصیه او ورکړی فتوی پر ځای ده، چې اخوانیان دغه ټاکنې تحریم کړی او ګډون پکې ونکړي چې د نوموړی دغه دریځ به په اخواني حلقو کې یو درز هم رامینځته کړي؟ ځکه لکه چې الاخوان المسلمون د تاریخ په اوږدو کې ښودلې ده چې دوی د تشدد پلویان ندي او د ولسواکي له لیارې غوارې ځان واک ته ورسوي.

نو د ټاکنو ترسره کول به په مصر کې د الاخوان المسلمون لپاره یو بل امتحان وي؛ ځکه د الاخوان المسلمون په پلویانو کې د ټاکنو په اړه بیلا بیل نظرونه موجود دي او له همدې امله په عربي نړۍ کې د القاعده سازمان رامینځته شوی او د خپلو کړنو او دریځونو په اړه یې د اسلامي نړۍ خلک پر ځان بې باوره کړې دي. نو که له زندانونو څخه بیرون پاتې د الاخوان المسلمون مهمې څېرې پدې اړه تر ممکنه بریده یو دریځ غوره کړي، دا به ښه وي او که د ټاکنو په اړه په الاخوان المسلمون کې اختلافات پیداشي نو بیا به د مصري ولس لپاره ډېرې بدې پایلې ولري. نو اړینه ده چې اخواني قیادتونه د یوه دریځ خاوندان شي او پکې د ګډون او یا ورڅخه د بیلتون په اړه د ژور فکر له مخې دریځ ونیسي او په خپلو کې همغږي رامینځته کړي.

افغانستان صاحب ماهواره شد

م – شعیب

افغانستان برای نخستین بار صاحب ماهواره شد تا در تحت پوشش این ماهواره که "ماهوارهٔ افغان ست ۱" نام گذاری شده است، به گفتهٔ امیر زی سنگین وزیر مخابرات کشور "خدمات مخابراتی را در کشور متحول خواهد کرد."

این ماهواره در سال ۲۰۰۸ به فضا پرتاب شد و در ماه ژانویهٔ ۲۰۱۴ در قرارداد رسمی میان مقامات افغانستان و شرکت فرانسه‌ای یوتل‌ست به افغانستان واگذار شد. بر اساس قرارداد امضا شدهٔ دولت افغانستان سالانه چهار میلیون دلار به شرکت یوتل‌ست فرانسه می‌پردازد و این ماهواره تا هفت سال فعالیت خواهد کرد. و میزان درامد دولت از فعالیت‌های این ماهواره سالانه ۱۵ میلیون دلار خواهد بود.

امیرزی سنگین ویر مخابرات کشور روز شنبهٔ هفتهٔ گذشته در افتتاح این ماهوار گفت که، در جریان هفت سال آینده کار روی ماهواره افغان‌ست۲ جریان خواهد داشت و پس از این که عمر ماهواره فعلی تمام شود، ماهواره جدید جاگزین آن خواهد شد. و "برای اولین بار کشور ما افغانستان صاحب ماهوارهٔ خود شده است... ما به عنوان وزارت مسوول به همکاری وزارت فرهنگ هدف داریم که تمام تلویزیون ها و رادیو های فعال در کابل در تمام نقاط پرنفوس کشور فعال باشند، هم در شهرهای بزرگ، هم در ولسوالی‌ها و هم در دهات".

آقای سنگین گفت، از همه مهمتر که گسترش پوشش نشراتی برای تلویزیون های افغانستان به ولایات و روستاها با قیمت ارزان مهیا خواهد شد". او گفته است از دو سال به این طرف با نهادهای مختلف روی دو ابتکار در گستره استفاده از ماهواره کار کرده‌اند. یکی تبدیل سیستم نشر و پخش تلویزیون‌های افغانستان از آنالوگ به دیجیتال است و دیگر فراهم آوری زمینه پخش همه تلویزیون‌های افغانستان از طریق ماهواره است.

وزیر مخابرات در مورد مشکل فریکونسی گفت، فریکونسی مشکلاتی را ایجاد کرده که با تبدیل سیستم نشراتی به دیجیتال این مشکل رفع خواهد شد و زمینه برای ایجاد تلویزیون‌های بیشتر فراهم می‌شود. با تبدیل سیستم آنالوگ به دیجیتال مردم به تصویر با کیفیت بلند دسترسی خواهند داشت، با کمبود فریکوینسی مواجه نخواهند شد و "از همه مهمتر که گسترش پوشش نشراتی برای تلویزیون‌های افغانستان به ولایات و روستاها با قیمت ارزان مهیا خواهد شد".

ماهواره افغان‌ست۱ از امروز (۲۰ ثور ۱۳۹۳) عملاً شروع به فعالیت کرده و از طریق آن در حال حاضر ده شبکهٔ تلویزیونی افغانستان و دو شبکهٔ تلویزیونی خارجی قابل دسترس است. گفته می شود این ماهواره ظرفیت بلند دارد و کشورهای همسایه افغانستان مثل ایران، پاکستان، تاجیکستان و کشورهای شرق میانه را تحت پوشش قرار خواهد داد.

به گفتهٔ وزیر مخابرات، برنامهٔ تبدیل سیستم نشراتی تلویزیون ها به دیجیتال، دو ماه آینده شروع می‌شود و ابتدا در کابل و در شش ماه بعد در شهرهای بزرگ مزارشریف، هرات، قندهار، قندوز، جلال آباد و غزنی مجوزهای فعالیت شبکه های تلویزیونی دیجیتالی توزیع خواهد شد.

محمد یونس قانونی معاون اول ریاست جمهوری هم که در همایش افتتاحیهٔ ماهوارهٔ افغان ست ۱ حضور داشت، شروع به کار این ماهواره را برای دولت و ملت افغانستان دست‌آورد مهم و تاریخی خوانده گفت، با وجود آنکه این ماهواره پیشرفت افغانستان و دست آوردهای این کشور را نشان می‌دهد اما هنوز هم "با توجه به نیازهای بلند مردم و پیشرفت سریع فناوری معاصر، گام‌هایی است که باید برداشته شود".

معاون اول ریاست جمهوری به نرخ بلند تماس های تلیفون، سرعت پایین اینترنت و قیمت بلند عرضه خدمات اینترنتی اشاره کرد و گفت که پرداخت این هزینه‌ها برای طبقه متوسط افغانستان و شهروندان عادی این کشور دشوار است و باید به کاهش قیمت‌ها و بلند بردن کیفیت و سرعت از راه مدیریت سالم رقابت‌ها و رقابت میان بخش خصوصی و دولتی توجه شود.

تقویم انتخاباتی دور دوم انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳

تاریخ	سال	فعالیت
۲۵ ثور	۱۳۹۳	اعلان روز انتخابات دور دوم و نشر تقویم انتخابات
۲۷ ثور – ۱ جوزا	۱۳۹۳	انتقال مواد انتخاباتی به دفاتر ولایتی
۴ جوزا – ۲۳ جوزا	۱۳۹۳	انتقال مواد انتخاباتی به مراکز ولسوالی ها
اول جوزا	۱۳۹۳	آغاز دوره مبارزات انتخاباتی کاندیدان دور دوم ریاست جمهوری
۲۱ جوزا	۱۳۹۳	ختم مبارزات انتخاباتی (۴۸ ساعت قبل از روز انتخابات)
۲۴ جوزا	۱۳۹۳	روز انتخابات
۲۵ جوزا – ۳۱ جوزا	۱۳۹۳	جمع آوری خریطه های محافظتی نتایج به دفتر مرکزی کمیسیون مستقل انتخابات
۲۵ جوزا – ۷ سرطان	۱۳۹۳	شمارش آرای انتخابات دور دوم ریاست جمهوری
۱۱ سرطان	۱۳۹۳	اعلان نتایج ابتدایی انتخابات دور دوم ریاست جمهوری
۱۲ و ۱۳ سرطان	۱۳۹۳	درج شکایات در ارتباط به انتخابات دور دوم ریاست جمهوی
۱۴ سرطان – ۲۴ سرطان	۱۳۹۳	رسیدگی به شکایات انتخابات دور دوم ریاست جمهوی
۲۵ سرطان	۱۳۹۳	فیصله نهایی کمیسیون مستقل شکایات انتخابات و ارسال آن به کمیسیون مستقل انتخابات
۳۱ سرطان	۱۳۹۳	اعلان نتایج نهایی انتخابات دور دوم ریاست جمهوری